

کافه خاطره صبا؛ گفت‌وگو با محسن دارسنج طراح چهره‌پردازی

راز باورپذیری چهره‌ها در سینما

گریم خوب از شناخت آدم‌ها شروع می‌شود

احمد محمداسماعیلی
گفت‌وگو

محسن دارسنج، طراح چهره‌پردازی توانمند سینما و تلویزیون، فعالیت حرفه‌ای خود را با دستیاری کارگردانی آغاز کرد و به‌تدریج با حضور در پروژه‌های سینمایی و همکاری با کارگردانان شناخته‌شده‌ای چون ابراهیم فروزش، محمدحسین مهدویان، بهرام توکلی، سعید سهیلی و بهروز افخمی، جایگاه خود را در عرصه چهره‌پردازی تثبیت کرد. «کلاشینکف»، «روباه»، «خانه دختر»، «همه‌چیز برای فروش» و «ماجرای نیمروز» از جمله آثاری هستند که او در مقام طراح چهره‌پردازی در آن‌ها حضور داشته است. دارسنج در کنار فعالیت تخصصی خود، تجربه‌هایی نیز در عرصه بازیگری داشته و در آثاری همچون «روباه» مقابل دوربین رفته است. در این گفت‌وگو، با او از مسیر حرفه‌ای، تجربه‌های کاری و فرازونشیب‌های سال‌های فعالیتش در سینما و تلویزیون سخن گفته‌ایم.



○ از سال‌های جوانی و تجربه دستیاری کارگردانی در سینما شروع کنیم. مسیر ورود شما به دنیای هنر از کجا آغاز شد؟

پس از پایان تحصیلاتم در رشته موسیقی در شهر اصفهان، تحصیل در رشته بازیگری را در دانشگاه آزاد اراک ادامه دادم.

○ در دوران تحصیل موسیقی، ساز تخصصی شما چه بود؟

کمانچه.

○ در دوران تحصیل در دانشگاه آزاد اراک، با چه هنرمندانی هم‌دوره بودید؟

پیام دهکردی، مجید رحمتی و بسیاری از هنرمندان دیگر.

○ در دوران تحصیل در اراک، آیا در آثار نمایشی دانشجویان دیگر نیز به‌عنوان بازیگر حضور داشتید؟

بیشتر ساخت موسیقی آثار را بر عهده داشتم.

○ به چه دلیلی در رشته بازیگری تحصیل کردید؟

شرایطتش پیش آمد و بازیگری قبول شدم.

○ در سال‌های اخیر، در کنار فعالیت حرفه‌ای در عرصه چهره‌پردازی، تجربه‌هایی نیز در بازیگری داشته‌اید؛ از جمله حضورتان در فیلم «روباه». این تجربه‌ها تا چه اندازه برای شما جذاب و جدی بوده‌اند؟

چند تجربه کوتاه در بازیگری داشته‌ام که برایم جذاب بوده‌اند. در فیلم «روباه» هم نقش خودم، یعنی محسن دارسنج، طراح چهره‌پردازی را بازی کردم.

○ پس از ورود به تهران، فعالیت حرفه‌ای خود را چگونه ادامه دادید و چه مسیری شما را به‌طور جدی وارد دنیای چهره‌پردازی کرد؟

سال ۱۳۸۰ در کلاس‌های گریم استاد جلال‌الدین معیریان شرکت کردم و به مدت ۹ ماه نزد ایشان آموزش دیدم. پس از آن، فعالیت حرفه‌ای‌ام را در عرصه گریم آغاز کردم.

○ آیا ورود شما به عرصه حرفه‌ای گریم از طریق استاد جلال‌الدین معیریان اتفاق افتاد یا به واسطه ارتباطات دیگری وارد نخستین پروژه کاری خود شدید؟

نخستین تجربه کاری من سریال «انگشتری عقیق» بود که از طریق یکی از دوستان به این پروژه معرفی شدم. در این سریال، آرمین اسماعیلی طراح گریم بود و من به‌عنوان دستیار ایشان فعالیت می‌کردم. پس از آن نیز در کنار خانم آزاد، برای حضور در یک سریال به کارگردانی محسن قصابیان و افشین علیزاده به تبریز رفتیم.

○ دوره دستیاری شما در عرصه گریم حدود شش سال به طول انجامید. در این مدت با چه طراحان و در چه پروژه‌هایی همکاری داشتید؟

حدود شش سال در کنار طراحانی همچون استاد معیریان و دیگر هنرمندان فعالیت کردم. در این دوران، در فیلم‌هایی نظیر «آتش‌بس» و «سوپراستار» و همچنین چند مجموعه تلویزیونی در سوریه و لبنان همکاری داشتم.

○ نخستین تجربه مستقل شما در مقام طراح گریم به کدام فیلم بازمی‌گردد؟

در سال ۱۳۸۶ با فیلم «زمانی برای دوست داشتن» به کارگردانی ابراهیم فروزش، نخستین تجربه مستقل خود را در زمینه گریم پشت سر گذاشتم. پیش از آن، در فیلم «هامون و دریا» از همین کارگردان، به‌عنوان مجری گریم حضور داشتم. ظاهراً کیفیت کارم در آن پروژه باعث شد آقای فروزش به من اعتماد کنند و طراحی گریم فیلم بعدی‌شان را به من بسپارند.

○ در نخستین تجربه مستقل طراحی گریم، چه حس‌وحالی داشتید؟

حس بسیار خوبی داشتم و اعتمادبه‌نفسم به‌اندازه‌ای بود که تصور می‌کردم این چندمین تجربه مستقل من است. داستان فیلم در دو مقطع تاریخی روایت می‌شد و علی شادمان نقش کودکی بیمار را بازی می‌کرد. برای این نقش، سر علی شادمان را به شکلی خربزه‌ای طراحی کردم که آقای فروزش از نتیجه کار بسیار تعجب کردند.

○ آیا برای طراحی این گریم از الگوی چهره بهروز وثوقی در فیلم «سوته‌دلان» استفاده کردید؟

خیر، طراحی من متفاوت بود و با استفاده از آرایش مو توانستم آن حالت خربزه‌ای را در سر علی شادمان ایجاد کنم. گریم به‌اندازه‌ای باورپذیر از کار درآمده بود که بسیاری از تماشاگران پس از دیدن فیلم تصور می‌کردند علی شادمان واقعاً دچار معلولیت است.

○ آیا در فیلم‌های دیگر نیز تجربه طراحی گریم‌های متفاوت و شاخصی داشته‌اید؟

بله، در فیلم «همه‌چیز برای فروش» حبیب رضایی، یکی از بازیگران اصلی فیلم، را به شکلی گریم کردم که نتیجه کار بسیار مورد توجه قرار گرفت. کارگردان تأکید داشت چهره او به‌گونه‌ای طراحی شود که پلشتی و لجن‌بودن شخصیت در ظاهرش نیز نمود پیدا کند. برای رسیدن به این نتیجه، زمان زیادی صرف طراحی کردم؛ دور موهایش را تراشیدم و روی چهره و حالت چشم‌هایش کار زیادی انجام دادم. این گریم برایم افتخاراتی هم به همراه داشت؛ از جشنواره فیلم فجر دیپلم افتخار گرفتم و برنده جایزه گریم جشن خانه سینما شدم.

در فیلم «ماجرای نیمروز» نیز برای طراحی گریم شهید بهشتی زحمت زیادی کشیدم و تلاش کردم به تصویری متفاوت و باورپذیر از این شخصیت برسم.

○ در آن سال‌ها، دستمزد گریم در پروژه‌های سینمایی و تلویزیونی چقدر بود و آیا میان دستمزد پروژه‌های داخلی و خارجی تفاوت قابل‌توجهی وجود داشت؟

در پروژه‌های ایرانی حدود ۵۰ میلیون و در پروژه‌های خارجی حدود ۲۵۰ میلیون دستمزد دریافت می‌کردم.

○ تعامل بازیگران خارجی با گروه گریم چگونه بود؟ آیا از نظر برخورد و همکاری، تفاوتی میان بازیگران ایرانی و خارجی احساس می‌کردید؟

به‌طور کلی، بازیگران در سراسر دنیا هرکدام اخلاق و ویژگی‌های رفتاری خاص خودشان را دارند.

○ در طول سال‌های فعالیت حرفه‌ای، پیش آمده که با برخی بازیگران بر سر مسائل مربوط به گریم دچار چالش یا اختلاف‌نظر شوید؟

خیر، من آدم منعطفی هستم و به‌ندرت چنین شرایطی برایم پیش آمده است. معتقدم چهره‌پرداز باید در تعامل با بازیگران انعطاف‌پذیر باشد.

○ اما آیا این میزان انعطاف و کوتاه آمدن در برابر خواسته‌های بازیگر، گاهی به کیفیت نهایی چهره‌پردازی لطمه نمی‌زند؟

خیر، به نظرم باید نقطه تعادل را پیدا کرد و به نظرات بازیگر هم توجه داشت. همه‌چیز باید پنجاه‌پنجاه باشد. پافشاری یک‌طرفه بر نظر خود و نادیده گرفتن دیدگاه طرف مقابل، زمینه‌ساز بروز چالش می‌شود. باید به شکلی تعامل کرد که نه سیخ بسوزد و نه کباب، حتی رابطه‌ام با کارگردان هم از این الگو پیروی می‌کند.

○ در مواجهه با کارگردانی که آشنایی تخصصی چندانی با چهره‌پردازی ندارد و گاهی نظرات غیرتخصصی یا غیرمنطقی مطرح می‌کند، چگونه از دیدگاه حرفه‌ای خود دفاع می‌کنید؟

به نظرم هر کارگردانی کم‌وبیش از چهره‌پردازی اطلاعاتی دارد. در مواجهه با نظرات نادرست کارگردان‌ها می‌توان با استدلال و توضیح کارشناسی، آن‌ها را متوجه اشتباهشان کرد. با این حال، در نهایت کارگردان صاحب